



فهرست مطالب

۲	..... مقدمه واجب
۲	..... اشکال دوم
۲	..... وجه اول
۳	..... وجه دوم
۳	..... جواب
۳	..... وجه سوم
۴	..... جواب



بسم الله الرحمن الرحيم

## مقدمه واجب

رسیدیم به این مبحث که آیا مقدمه مطلقاً واجب است یا فقط مقدمه‌ای واجب است که مقید به قیدی باشد چهار نظریه وجود داشت که نظر مشهور این بود که مقدمه بما هی واجب است. سه نظر دیگر هم بیان شد که در حال بررسی نظر دوم بودیم.

نظر دوم، نظر صاحب معالم بود که فرمودند: وجوب مقدمه، مشروط است به اراده و عزم بر اتیان ذی‌المقدمه، اگر قرار است ذی‌المقدمه را بیاورد در این صورت مقدمه واجب است در غیر این صورت امری متوجه مقدمه نمی‌شود. این فرمایش سه اشکال وارد شده که اشکال اول و جواب آن را گفتیم اما ادامه بحث

## اشکال دوم

دومین اشکالی که به نظریه صاحب معالم وارد شده است مناقشه و اشکال مرحوم میرزای نائینی است و بیان ایشان در اشکال بر صاحب معالم این است که اگر شخصی تصمیم دارد که ذی‌المقدمه را بیاورد، واجب است که مقدمه را بیاورد و طبعاً مقدمه‌اش واجب است، اما آنجایی که به هر دلیلی اراده ندارد ذی‌المقدمه را بیاورد، یعنی شخصی که لایرید الاتیان بذی‌المقدمه است، در این صورت گفته می‌شود مقدمه‌اش واجب نیست؛ یعنی لاتجب المقدمه علی من لایرید بذی‌المقدمه، حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا ذی‌المقدمه‌اش واجب است یا نه؟ در جواب این سؤال سه وجه متصور می‌شود.

## وجه اول

اگر بگوییم ذی‌المقدمه واجب نیست که مطلب عجیبی است و قطعاً کسی این را نمی‌گوید، یعنی بگوییم مقدمه که واجب نیست، پس ذی‌المقدمه هم واجب نیست که این خلاف ضرورت است، این معنایش این است که تکلیف عدم التکلیف است و لغویت می‌شود.



## وجه دوم

این است که مقدمه بر شخص واجب نیست، ولی ذی‌المقدمه واجب است، فرض دوم متعین می‌شود برای شخصی که مقدمات برایش واجب نیست ولی تکلیف به ذی‌المقدمه است بنابراین فرض گفته شده که خلاف ارتکازات است و این بعید است که بپذیریم لا توجد الملازمة بین المقدمة و ذی‌المقدمه، ظاهر این است که بین این‌ها تلازم وجود دارد. خلاصه اشکال این است که نظریه صاحب معالم نتیجه‌اش نفی ملازمه بین مقدمه و ذی‌المقدمه است.

## جواب

ما می‌گوییم همان‌طور که قبلاً گذشت شبیه این نظر در تعلیقه مرحوم شهید صدر آمده است که البته منظور تقریرات آقای هاشمی شاهرودی است، لذا می‌گوییم حتی به وجوب عقلی هم قائل به ملازمه نیستیم، چه کسی می‌گوید ملازمه عقلی دائمی بین مقدمه و ذی‌المقدمه وجود دارد؟ درست است که به لحاظ اثباتی این امکان وجود داشته باشد که نتوانیم دلیلی برای این مطلب بیاوریم، ولی در عالم ثبوت، چون این ملازمه مطلق است یا در صورت خاص است، این اول کلام و مصادره به مطلوب است، شما مفروض گرفتید بین مقدمه و ذی‌المقدمه به هر شکل ملازمه است و می‌گویید اگر نظر صاحب معالم را قبول کنید این ملازمه از بین می‌رود، سؤال این است که آیا این ملازمه با وجوب ذی‌المقدمه مطلقاً واجب است یا عند اراده بجا آوردن ذی‌المقدمه واجب است؟ ما می‌گوییم وجبت مقدمه ادا اراد باتیان ذی‌المقدمه و الا فلا تجب مقدمته؛ بنابراین فرمایش مرحوم نائینی قوی نیست هرچند بسیاری این قول را قبول کردند.

بیان اول را قبول نداریم علیرغم این‌که قاطبه بزرگان این دو نظر یا یکی از آن‌ها را پذیرفتند و ما می‌گوییم هیچ مشکل عقلی اینجا وجود ندارد، ما می‌گوییم وقتی این مقدمه واجب است که اراده داشته باشد ذی‌المقدمه را بجا بیاورد والا عدم وجوبش لغویتی ندارد.

## وجه سوم

که گفته شده است در تعلیقه تقریرات مرحوم شهید صدر است، این است که گفته شده وجه وجوب مقدمه یا توقف است یا توصل یا بر اساس قول سوم و چهارمی هست که بعداً بحث خواهیم کرد.

در توقف واقعی ذی‌المقدمه بر این، قصدی وجود ندارد و در توصل، اگر قبول کنیم که مقدمه در مقام عمل ما را واصل به ذی‌المقدمه می‌کند باز قصدی وجود ندارد و مقدمه موصله می‌شود. این بحث ثبوتی نیست، بلکه بیشتر یک بحث اثباتی است.



دو وجه ثبوتی برای اشکال گفته شده، در وجه اثباتی گفتیم دلیلی ندارید، زیرا ملاک وجوب مقدمه یا توقف است یا توصل که در هیچ کدام از این ها قصد وجود ندارد.

### جواب

می توان این طور جواب داد که مرحوم صاحب معالم می فرماید؛ ما ارتکاز عرفی داریم به این صورت که وقتی تکلیفی متوجه شماست که تصمیمی بر انجام ذی المقدمه وجود داشته باشد و الا مصلحتی در انجام مقدمه وجود ندارد. ما به کسی که می خواهد مطلوب نفسی مولی را انجام دهد امر می کنیم و الا اگر قصد انجام ذی المقدمه را نداشته باشد، انجام مقدمه لغو می شود و لذا نمی توان به سادگی استدلال سوم را پذیرفت و نظر صاحب معالم نظر بسیار موجهی است. تقریباً همه در این نتیجه آخر اگر حرف دیگری نیاوریم متفردیم، صاحب معالم می گوید وجوب مقدمه مشروط است، اما قاطبه می گویند نیست، ما می گوییم هر سه وجه قابل مناقشه است نه تنها مشکلی متوجه صاحب معالم نیست بلکه صاحب معالم می تواند حرفش را به کرسی بنشاند.